

# مقاله‌نویسی مهارت

جعفر ربانی

در شماره قبل خواندید که:

مقاله‌نویسی از دوره مشروطه به بعد به کشور ما آمد و به مطبوعات و روزنامه‌ها راه یافت.

ویژگی‌های مقاله عبارت است از: داشتن موضوع دقیق و مشخص، نثر ساده، مستند، مستدل و در صورت لزوم متکی به منابع صحیح بودن، حجم مناسب، دارای طرح و نقشه، و منتج به نتیجه‌ای روشن.

برای کسب مهارت در مقاله‌نویسی، هیچ راهی بهتر از خواندن مقالات بسیار و البته از نویسندگان طراز اول و توانا آن هم به طور مرتب و پیوسته نیست.

اکنون به بخش دوم و پایانی مقاله‌نویسی و به انتهای این مجموعه می‌رسیم که امیدواریم توانسته باشیم انگیزه لازم را در علاقه‌مندان به نوشتن به وجود آوریم.

\*\*\*

همان‌طور که در بالا هم اشاره شد، مقاله‌نویسی نوعی «مهارت» است و هیچ مهارتی را نمی‌توان بدون «عمل» به دست آورد. همه دانش‌آموزان، سال‌های نسبتاً زیادی را در مدارس به آموزش زبان انگلیسی می‌گذرانند، اما بسیار اندک‌اند کسانی از این خیل عظیم که واقعاً در این رشته مهارتی - حتی در حد متوسط - کسب کنند. چرا؟ زیرا ما زبان را از راه روخوانی و مقداری هم به حافظه سپردن قواعد یا گرامر زبان به دانش‌آموزان یاد می‌دهیم که البته نتیجه‌ای هم عاید آن‌ها نخواهد شد. حال این را قیاس کنید با کسب همه مهارت‌ها و از جمله نوشتن و مقاله‌نویسی. این مقدمه را برای این آوردیم تا به همکاران عزیز - البته آن‌ها که علاقه به نویسندگی و نوشتن دارند - یادآوری کنیم که ما ضرورتی برای طول و تفصیل دادن به این نوشته‌ها نمی‌بینیم و از این جهت شما را - اگر می‌خواهید - به انبوه کتاب‌های انشا و نویسندگی و... احاله می‌دهیم. اما آن‌چه جداً از شما طلب می‌کنیم این است که برای نوشتن و توانا شدن در نوشتن قطعه ادبی، خاطره‌نویسی، نقدنویسی، مقاله‌نویسی و... بخوانید و بخوانید و بخوانید.

اینک در پایان شما را به خواندن سه مقاله کوتاه دعوت می‌کنیم: مقاله‌ای در علوم (کانگورو)، مقاله‌ای در تربیت نسل جوان (از دکتر سیدجعفر شهیدی) و مقاله‌ای هم

در زندگی‌نامه (از سیروس غفاریان). این سه مقاله نمونه‌ای از کوتاه، ساده و روشن نوشتن است. این مقاله‌ها را بخوانید و در آن‌ها تأمل کنید آن‌گاه خود دست به قلم شوید و مقالاتی کوتاه بنویسید؛ البته اگر می‌خواهید گام اول را بردارید؛ و گرنه چه بسا خودتان نویسنده بوده و نیازی به این توصیه‌ها نداشته باشید که آن بحث دیگری است. ضمناً خاطر نشان می‌سازیم که سه مقاله مذکور را از شماره‌های سابق مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی (شماره ۱۳۷۸/۲۳) و نیز مجله پیک معلم و دانش‌آموز (۱۳۵۲) انتخاب کرده‌ایم.

## ○ کانگورو

حیوانی که کیسه دارد

کانگورو بزرگ‌ترین پستاندار کیسه‌دار علفخوار است که در استرالیا و جزایر اطراف آن زندگی می‌کند. نکته جالب توجه در ساختمان بدن کانگورو آن است که پاهای عقبی و دم حیوان رشد فوق‌العاده پیدا کرده‌اند، در حالی که قسمت جلو بدن و مخصوصاً دست‌های کوچک و لاغر باقی مانده‌اند. این شکل بدن آمادگی خاصی برای جهیدن به کانگورو داده است. کانگورو در حال ایستاده روی پاهای عقبی و دم نیرومندش تکیه می‌کند. هنگام چرا هر چهار دست و پای خود را به زمین می‌گذارد. هنگام جهیدن، بدنش تقریباً موازی سطح زمین قرار می‌گیرد و در هر جهش فاصله‌ای در حدود ۵ تا ۱۰ متر را می‌پیماید. کانگوروهای بزرگ از بالای مانعی به ارتفاع ۱/۵ متر به آسانی می‌جهند. سر کانگورو کوچک و شبیه سر گوزن است. بسیاری از انواع آن گوش‌های دراز و پوزه کشیده دارند.

کانگورو حیوان ترسویی است و به حیوانات دیگر حمله نمی‌کند. چون در فرار کردن بسیار سریع است و حس بینایی، شنوایی و بویایی بسیار نیرومند دارد، به آسانی

## ○ تربیت در گذر نسل‌ها

حسن بصری زاهد و عالم و تابعی معروف، از روزگار و از معاشران خود گله کرد و گفت چه گناهی کرده بودم که کیفر آن جدا ماندن از اصحاب رسول خدا و هم‌نشینی با شما بود؟ کودکی نوجوان که در گوشهٔ مجلس نشسته بود گفت ای شیخ! پس اصحاب رسول خدا چه گناهی کرده بودند که آنان را به محروم ماندن از صحبت رسول و زیستن با مانند شما کیفر دادند.

هم‌چنین از عایشه روایت می‌کنند که گفت:

خوش به حال لبید، اگر زمان ما را دیده بود چه می‌گفت؟ عروه که این حدیث را روایت می‌کند، گفت: خدا عایشه را بیامرزد، اگر زمان ما را دیده بود چه می‌گفت؟ دیگری پس از او گفت: خدا عروه را بیامرزد اگر زمان ما را دیده بود چه می‌گفت؟ زبیدی راوی پس از او گفت: خدا رحمت کند زهری را اگر زمان ما را دیده بود چه می‌گفت؟ محمد بن مهاجر گفت: خدا رحمت کند زبیدی را؛ اگر عصر ما را دیده بود چه می‌گفت؟ عثمان بن سعید گفت: خدا رحمت کند محمد بن مهاجر را؛ اگر عصر ما را دیده بود چه می‌گفت؟ ابو حمید گفت: خدا عثمان را رحمت کند اگر عصر ما را دیده بود چه می‌گفت و من که ابن جریر [طبری] هستم می‌گویم: خدا ابوحمید را رحمت کند، اگر عصر ما را دیده بود چه می‌گفت؟

می‌بینیم همهٔ این بزرگان از نسل نو شکایت دارند و می‌پندارند نسل گذشته در رعایت اصول اخلاق و عمل به احکام دین بر جوانان معاصر آنان برتری داشته است. اما آیا ما می‌توانیم مثلاً نسلی را که با آخرین راوی حدیث یعنی ابن جریر می‌زیسته بی‌دین و یا فاسدالاخلاق و یا گستاخ و عاری از تربیت درست بدانیم؟ هرگز! ما در عمل می‌بینیم هر یک از این پنج تن که نمایندهٔ نسل گذشته بوده‌اند و می‌دیدند که نسل نو سنت‌ها و رسم‌های آنان را نمی‌پذیرد و راهی جداگانه در پیش گرفته است خشمگین شده و آنان را به باد انتقاد گرفته است و بر گذشته‌ای که خود در آن تربیت شده دریغ می‌خورد. هرگاه در چنان عصری که جامعه‌ها از یکدیگر جدا می‌زیسته‌اند و یا لاقلاً ارتباطی را که امروز با هم دارند نداشته‌اند، نسل سالخورده دربارهٔ نسل نو چنین قضاوتی کرده است، معلوم است که این داوری در عصر ما چگونه خواهد بود. بی‌گمان بین عصر ما و ابن جریر شکافی بزرگ وجود دارد، اما نه شکافی که زمان آن را پدید آورده باشد؛ این فاصله را هم بستگی مردم این عصر با یکدیگر پدید آورده است.

در عصر ما دنیا تقریباً به صورت یک واحد اجتماعی درآمده است. آن‌چه در دنیای غرب رواج می‌یابد، شرق آن را تقلید می‌کند. چرا؟ شاید فقط به خاطر آن که به گمان او غرب پیشرفته است، یا شاید برای آن که نگویند از قافلهٔ روشنفکری عقب مانده است. پس می‌توانیم بگوییم این مشکل گذشته از آن که مشکل عصر ما هست مشکل اجتماع ما هم هست. مشکل همهٔ ملت‌ها و همهٔ کشورها، مشکل همهٔ جهان، مشکل غرب پیشرفته و شرق به اصطلاح عقب‌مانده. و به قول معروف: «به هر کجا که روی آسمان

می‌تواند از جنگ دشمن بگریزد، اما اگر در تنگنا قرار گیرد، سخت از خود دفاع می‌کند.

کانگورو هنگام دفاع در برابر دشمن، بر دم خود تکیه می‌کند و از هر چهار دست و پایش برای مغلوب کردن حریف استفاده می‌کند. ضربه‌های محکمی که با پاهای خود وارد می‌آورد بسیار کارگرند. گاه سگ‌های شکاری را با همین ضربه‌ها از پای در می‌آورد.

پنجه‌های پاهای کانگورو سلاح خوبی برای او به شمار می‌روند. هر یک از پاهای عقبی دارای چهار انگشت است که یکی از آن‌ها به چنگال تیز و درازی منتهی می‌شود.

در بعضی از سیرک‌ها، از مبارزهای که کانگورو با حریف خود می‌کند و از ضربه‌هایی که به او وارد می‌آورد برای سرگرم کردن تماشاکنندگان استفاده می‌کنند. برای این کار، به دست‌های حیوان دستکش بوکس می‌پوشانند. در این مبارزه، هر یک از دو حریف، ضربه‌های حریف دیگر را با ضربه‌های متقابل خود پاسخ می‌دهد.

کانگوروی ماده هر بار معمولاً سه بچه می‌آورد، اما فقط یکی از بچه‌های خود را بزرگ می‌کند. نوزاد کانگورو هنگام تولد بسیار ریز و نارس است و معمولاً طول بدنش، حتی در کانگوروهایی بزرگ، بیش از چند سانتی‌متر نیست. به همین سبب مدت‌ها تصور می‌کردند که کانگوروی ماده نوزاد خود را پس از تولد به دهان می‌گیرد و آن را در کیسهٔ خود جای می‌دهد، اما مشاهدات متعددی که به عمل آمده نشان می‌دهند که نوزاد کانگورو به کمک چنگال‌های دست از بدن مادر بالا می‌رود و خود را به کیسهٔ مادر می‌رساند و در داخل آن قرار می‌گیرد. کیسهٔ کانگورو که شبیه جیب است شامل چهار پستان است. نوزاد کانگورو وقتی که وارد کیسهٔ مادر شد، از پستان مادر شیر می‌خورد و چندین هفته و حتی چندین ماه در داخل کیسه باقی می‌ماند.

کانگورو در جنگل‌های استوایی و هم‌چنین در دشت‌های وسیع و هموار زندگی می‌کند. بعضی از انواع کانگورو بالای درخت‌ها زندگی می‌کنند و از میوه و برگ و ریشهٔ آن‌ها تغذیه می‌کنند. کانگوروهایی که در دشت‌های وسیع زندگی می‌کنند، به صورت گله از نقطه‌ای به نقطهٔ دیگر می‌کوچند. بیشتر غذای آن‌ها را گیاهان تشکیل می‌دهند. کانگورو دندان‌های بسیار تیزی دارد و علف‌ها را از ریشه قطع می‌کند. به همین سبب است که وجود کانگورها برای مراتع و در نتیجه برای گله‌داری زیان‌آور است.

کانگوروها، هم از لحاظ رنگ پوست و هم از لحاظ کوچکی و بزرگی بسیار متفاوتند. یکی از انواع کوچک آن که والبی<sup>۱</sup> نامیده می‌شود به بزرگی خرگوش است. در حالی که طول بدن کانگوروهایی بزرگ، از پوزهٔ حیوان تا محل رویش دم به ۲ متر می‌رسد و وزن بدن آن‌ها در حدود ۱۰۰ کیلوگرم است.

دو نوع از بزرگ‌ترین انواع کانگورو نوع قرمز و نوع خاکستری است.

بومیان استرالیا گوشت کانگورو را می‌خورند. از پوست آن برای ساختن چرم استفاده می‌شود. از پوست والبی کفش، دستکش و کیف‌های ظریف درست می‌کنند.

مقاله‌نویسی نوعی «مهارت» است و هیچ مهارتی را نمی‌توان بدون «عمل» به دست آورد

همین رنگ است».

حالا اگر کسی یا کسانی پای‌بند مقررات دینی باشند و بخواهند بدانند دین در این باره چه نظری دارد و پیروی نسل نو را از سنت‌ها و آداب گذشتگان تا چه حد لازم می‌داند و تا چه اندازه به آنان استقلال در عمل و آزادی در اتخاذ تصمیم می‌دهد، باید چه کنند؟ آیا مانند ابن جریر و آنان که پیش از وی بودند، هر نسل سالخورده باید نسل نو را از خود براند و آنان را از خویشستن جدا بداند و بگوید: افسوس که مردان مسلمان همه رفتند؟ اگر پدری بخواهد فرزند خود را به آیین دین بپروراند چنان‌که در برابر خداوند خود را تقصیر کار نداند چه وظیفی را باید انجام دهد؟ و تا کی انجام دهد؟ و مقصود از تربیت دینی چیست؟ و دین در این باره چه نظری دارد؟ باید توجه داشته باشید که وقتی سخن از تربیت نسل جوان از دیدگاه دین، به میان می‌آوریم مقصود از دین، فقط کتاب خدا و سنت رسول نیست، بلکه نظر فیلسوفان و عالمان علم اخلاق اسلامی نیز که بی‌گمان در طول بیش از دوازده قرن در اعتقادات، سنت‌ها و تربیت‌های اجتماعی اثری عمیق نهاده‌اند، باید بررسی شود تا بدانیم نظر این اندیشمندان چه اندازه از کتاب خدا و سنت رسول (ص) گرفته شده است، و چه مقدار آن رأی و اجتهاد شخصی ایشان است که از مصلحت‌های اجتماعی زمان ایشان ناشی گردیده است. زیرا آن‌چه از کتاب و سنت گرفته شده باشد، باید پیروی کرد، اما در آن‌چه مبنی بر رعایت مصلحت‌های اجتماعی و آداب قومی است می‌توان تصرف نمود؛ زیرا سنت‌ها و مصلحت‌های هر مردمی به تناسب زمان و مکان و به مقدار تغییر شرایط و اسباب، دستخوش تحول خواهد بود. دکتر سیدجعفر شهیدی<sup>۱</sup>

○ طبری شیخ المورخین جهان اسلام (۲۲۴-۵۳۱ ه.ق) ابوجعفر محمد بن جریر بن کثیر بن غالب طبری آملی معروف به شیخ المورخین در ۲۲۴ ه.ق در آمل از شهرستان‌های طبرستان (مازندران) به دنیا آمد. تا سن دوازده

برای نوشتن و توانا شدن در نوشتن قطعه ادبی، خاطر نویسی، نقد نویسی، مقاله نویسی و... بخوانید و بخوانید



سالگی مقدمات علوم زمان را در زادگاهش فراگرفت. خود او در مورد دوران خردسالی اش می‌گوید: «در هفت سالگی قرآن را از حفظ کردم، در هشت سالگی برای مردم نماز گزاردم و در ۹ سالگی پاره‌ای از احادیث را نگاهشتم.» سپس اضافه

می‌کند که به خاطر رویایی که به سراغ پدرش آمده بود، پدر از دوران خردسالی به تحصیل او در علوم دین اهتمام نشان داده است؛ بنابراین از ۱۲ سالگی به تشویق پدرش به «ری» رفت. در آن زمان شهر ری یکی از بزرگ‌ترین شهرهای ایران و از نظر آموزش علوم سرآمد شهرهای ایران بود. در ری از محمد بن حمید رازی حدیث فراگرفت و مغازی آثار ریخ جنگ‌های پیامبر را از محمد بن اسحاق واقدی آموخت؛ سپس عازم بغداد شد و زمانی به آن شهر رسید که چند روزی از مرگ احمد بن حنبل می‌گذشت. طبری از بغداد به واسط رفت و علم حدیث را تا جایی که توانست فراگرفت. از آن پس او به عنوان یک فقیه براساس مذهب شافعی فتوی می‌داد.

محمد بن جریر پس از مدتی بین‌النهرین را ترک گفت و برای آشنایی با اصحاب رأی عازم مصر شد. او در این سفر از طریق شام و بیروت طی طریق کرد و در ۲۵۳ ه.ق هنگام حکومت احمد بن طولون به مصر وارد شد و سه سال در آن دیار اقامت نمود و در شهر فسطاط مصر نزد پاره‌ای از دانشمندان آن دیار تلمذ کرد. طبری در طول این سفرها کلیه سفرنامه‌ها و رحله‌هایی را که حاوی تاریخ و جغرافیای قبل از زمان خود بود مورد مطالعه قرار داد. او پس از اقامت سه ساله خود در مصر از طریق شام به بغداد بازگشت و پس از مدت کوتاهی برای دیدار موطنش راهی طبرستان شد و به آمل آمد و این در سال ۲۹۰ ه.ق بود. طبری پس از آن که محیط آمل را برای ادامه تحصیل خود مساعد ندید به بغداد بازگشت و در محله «رحیه یعقوب» اقامت نمود و مطالعات خود را ادامه داد. او ضمن آن که معلومات خود را در تاریخ، فقه، حدیث تکمیل می‌کرد، شاگردانی نیز تربیت نمود. زمانی که در محله «قنطره البردان» بغداد اقامت داشت، تحریر تاریخ خود را به نام «تاریخ الامم و الملوک» یا «اخبار الرسل و الملوک» که همان تاریخ طبری است به زبان عربی آغاز کرد. او که روزانه چهل برگ از تاریخ خود را جمع‌آوری می‌کرد، جمعاً چهل سال صرف نوشتن تاریخ طبری نمود. بدین ترتیب که از ۴۸ سالگی شروع به جمع‌آوری نسخه‌های پراکنده رحله‌ها و سفرنامه‌ها نمود و از ۶۵ سالگی به طور مستمر در بغداد یادداشت‌های پراکنده خود را به مدت ۲۳ سال تنظیم کرد تا آن که قبل از مرگش آن را به پایان رسانید. او به موازات تنظیم تاریخ خود به خواش «المکتفی» خلیفه عباسی کتابی در زمینه وقف نوشت که حاوی آرای تمام دانشمندان و فقهای مسلمان تا آن زمان بود. ضمناً کتابی به نام «الفضائل» نوشت که در بردارنده زندگی خلفای راشدین و اثبات و صحت حدیث غدیر بود و این کتاب را با ذکر فضائل حضرت علی (ع) به پایان رسانید. او علاوه بر تاریخ مشهور و کتاب‌های دیگرش، کتاب معروف جامع البیان را نیز در تفسیر قرآن نوشت. طبری در طی سفرهای زیادی که داشت، سیره‌نویسان متعددی را در جهان اسلام ملاقات کرد و اطلاعات زیادی از آن‌ها کسب نمود. طبری در سن ۸۸ سالگی در خانه مسکونی خویش به روز یکشنبه دو روز مانده از شوال ۳۱۰ ه.ق در بغداد درگذشت و در همان جا مدفون شد. (اسپروس غفاریان<sup>۱</sup>)

پی‌نوشت

1. Wallaby